



دانشگاه علوم پزشکی تهران
دانشکده پرستاری و مامایی تهران

تبیین فرآیند شکل‌گیری رضایت زناشویی و ارائه مدل

پایان‌نامه برای دریافت درجه PhD

در

بهداشت باروری

نگارنده

زینب توکل

اساتید راهنما

سرکار خانم دکتر زهرا بهبودی مقدم
جناب آقای دکتر علیرضا نیکبخت نصرآبادی

اساتید مشاور

جناب آقای دکتر نیکزاد عیسی‌زاده
سرکار خانم دکتر مریم اسماعیلی

چکیده

مقدمه

یکی از مفاهیم رایج برای نشان دادن میزان شادی و پایداری رابطه میان زوجین، مفهوم رضایت زناشویی است. رضایت زناشویی یک ارزیابی کلی از وضع فعلی ارتباط را ارائه می‌دهد و انطباق بین وضعیت موجود با وضعیت مورد انتظار میان زوجین است. آمار رسمی طلاق به‌طور کامل نشان‌دهنده میزان ناکامی همسران در زندگی زناشویی نیست، زیرا در کنار آن آماری بزرگ‌تر اما کشف نشده به طلاق‌های عاطفی اختصاص دارد. برخی ازدواج‌ها که با طلاق پایان نمی‌یابند، به ازدواج‌های توخالی تبدیل می‌شوند که فاقد عشق، مصاحبت و دوستی هستند و همسران فقط با جریان زندگی خانوادگی به پیش می‌روند و زمان را سپری می‌کنند.

در این راستا طبق فرمایش رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی) آموزش معیارهای صحیح در همسرگزینی و افزایش مهارت‌های افراد در حفظ خانواده پایدار، توانمندسازی دختران و پسران جوان در این خصوص و آموزش مهارت‌های ارتباطی برای خانواده با تاکید بر آموزش زن و مرد به‌طور مجزا در برنامه‌های تحول نظام سلامت کشوری تا سال ۱۴۰۴ قرار گرفته است. با توجه به اینکه سلامت باروری انسان ابعاد جسمی، روانی، اجتماعی را دربرگرفته و یکی از وظایف متخصصین بهداشت باروری تامین سلامت بعد روانی زوجین که رضایت زناشویی آنان را نیز شامل می‌شود، است و از طرفی از آنجاییکه طبق مطالعه‌های انجام شده، رضایت زناشویی تحت تاثیر عوامل مختلفی می‌باشد و در واقع ابعاد مختلف زندگی می‌توانند بر فرآیند شکل‌گیری رضایت زناشویی تاثیرگذار باشند، تصمیم گرفته شد که برای درک چگونگی شکل‌گیری رضایت زناشویی مطالعه‌ای کیفی به روش گراند تئوری بر روی زوجین انجام گیرد.

روش کار

این تحقیق یک مطالعه کیفی است که با توجه به ماهیت مفهوم مورد مطالعه از رویکرد گراند تئوری در آن استفاده شده است. شرکت‌کنندگان اصلی مطالعه، زنان بودند که به روش نمونه‌گیری هدفمند، انتخاب و سپس نمونه‌گیری به سمت نمونه-گیری نظری هدایت شده است. جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها داده‌ها بر اساس نسخه Corbin & Strauss (۲۰۰۸) و با استفاده از نرم افزار MAXQDA صورت گرفته است. در این مطالعه جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها به طور همزمان بوده و مقایسه مداوم کدها با یکدیگر و با کدهای قبلی به طور مداوم انجام شده است.

نتایج

در این مطالعه، تعداد ۲۸ مصاحبه با ۲۵ مشارکت‌کننده، انجام و از داده‌های آن برای تجزیه و تحلیل استفاده شده است. میانگین و انحراف معیار سنی خانم‌های شرکت‌کننده در مطالعه ۳۵/۷۵±۷/۶۱ سال و میانگین و انحراف معیار سنی آقایان شرکت‌کننده در مطالعه ۳۶±۴/۸۴ سال و میانگین و انحراف معیار مدت زمان زندگی زناشویی کل مشارکت‌کنندگان ۹/۲۷±۱۴/۱۸ سال بوده است. از تحلیل داده‌ها حدود ۱۲۵۴ مورد کد سطح اول (کد باز) بدون محاسبه هم‌پوشانی آن‌ها استخراج شد. سپس این کدها بر اساس تشابه‌ها و تفاوت‌های موجود با هم، مقایسه و طبقه‌بندی شدند.

حاصل این طبقه‌بندی به‌طور کلی و با در نظر گرفتن تحلیل برای مفهوم و تحلیل برای زمینه، ۲۳ زیرطبقه (شامل مفاهیم و زمینه) بود. حاصل این دسته‌بندی تولید ۹ زیرطبقه و نهایتاً تقلیل آن‌ها به ۲ طبقه اصلی و یک متغیر مرکزی شد. متغیر مرکزی این مطالعه "تکامل آرامش‌بخش" و طبقات اصلی آن "همراهی حمایت‌گرانه"، "عشق مسوولانه" بود که "ویژگی‌های شخصیتی"، "ارتباط‌های تعاملی"، "سازگاری رو به رشد در گذر زمان" و "نقش جامعه" بستر شکل‌گیری رضایت‌مندی زناشویی را فراهم می‌نمود.

نتیجه‌گیری

یافته‌های این تحقیق مبین این نکته بود که اساساً مفهوم رضایت زناشویی برای هر فرد و یا هر زوج، منحصر به فرد می‌باشد. زوجین مشارکت‌کننده می‌دانستند که مسیر نایل شونده به سمت رضایت زناشویی تحت تاثیر عوامل فردی، بین فردی، خانوادگی، جامعه، گذشت زمان و... است و هرکدام از این عوامل ابعاد بازدارنده‌ها و تسهیل‌گرهای مربوط به خود را دارا هستند. آنها می‌دانستند که برای کسب رضایت‌مندی زناشویی باید هدف نهایی خانواده را در یک راستا و در جهت رسیدن به تکاملی آرامش‌بخش برای کل اعضای خانواده قرار داده و هر دو در جهت رساندن خانواده به آن هدف، یکدیگر را با عشقی مسوولانه همراهی نمایند. در این مسیر خانواده‌های زوجین، فرزندان، مشاورین خانواده، متخصصین بهداشت باروری و روحانیون همگی می‌توانند عوامل بسیار کمک‌کننده‌ای بوده و تاثیر به‌سزایی در دستیابی به رضایت زناشویی داشته باشند.

کلمات کلیدی: فرآیند، رضایت زناشویی، گراند تئوری، مدل

Abstract

Introduction

One of the common concepts to show the happiness and stability of the relationship between the couple is the concept of marital consent. Marital satisfaction is an overall assessment of the current situation of the relationship between couples and is compliance between the current situation and the situation of the couples is expected. Official information about divorce can't show fully the spouses' failure of marriage, because of emotional divorces. Some marriages do not end with the divorce, the marriage becomes empty without love, companionship and friendship and couples just live with together and spend time.

According to statement of Khamenei, training boys and girls and empowerment them in spouse selection and marriage and training the skills of communication between families is located in programs of Health Care Reform until 2025. Since the human reproductive health contain physiological, psychological and social dimension, and one of the task of practitioners of reproductive health is improve of couples psychological health and also marital satisfaction, we decided that conduct a qualitative study with Grounded approach theory to exploring of process of formation of marital satisfaction.

Method

This research is a qualitative study with grounded theory approach. Participants were women, and then sampling is purposive and theoretical. Collection and analysis of data performed at the same time and based on the Corbin & Strauss (2008) using the software MAXQDA. Codes compare continuously with together and with the previous codes.

Result

In this study, 28 interviews conducted with 25 participants and their data were used for analysis. The average age of women participating in the study, 35.75 ± 7.61 years and the average age of men in the study, 36 ± 4.84 years and the average duration of marriage of all participants 12.84 ± 8.87 years. About 1254 of the first open coding without overlap were calculated. Then the code based on the similarities and the differences are compared and categorized.

The result of this classification generally and with regard to conceptual and analytical analysis is 23 Subclass (including concept and context). 9 subclass of these categories is produce and eventually reduce them to two main floors and a core variable. Core variable of the study is "Development relaxing", the main classes are "supportive accompanying", "love responsibly" and the "personality trait", "interactive relationship", "time elapse" and "role of society" are the context of process of formation of marital satisfaction.

Conclusion

The findings of this research proves that the concept of marital satisfaction is unique for every person and/or every couple. The participant aware that formation of marital satisfaction is affected by personal, interpersonal, familial, society and time elapse factors. And they aware that to achieve the marital satisfaction, they should try for access to development relaxing. In this way, families of couples, their children, family counselors, reproductive health professionals and clergymen can all be very helpful factors that have an impact in achieving marital satisfaction.

Key words

Process, Marital satisfaction, Grounded Theory, Model